

نگاهی گذرا به برخی از اشکالات موجود در

ترجمه انگلیسی قانون مدنی

دکتر حسین میرمحمد صادقی



الف - مقدمه: طرح مشکل

ترجمه واژگان تخصصی یا حقوقی از زبانی به زبان دیگر کار آسانی نیست. بسیاری از واژه های حقوقی بار عظیمی از معانی را در هر زبان بردوش می کشند که چه بسا ترجمه آنها به زبان دیگر فاقد چنین معنای گسترده ای باشد. به علاوه، بعضاً کلمات مشابه دارای معانی متفاوت در نظام های حقوقی مختلف می باشند. برای مثال، اصطلاح انصاف یا Equity در حقوق انگلیس به قواعد و آرای دادگاههای Chancery که تا سالهای ۱۸۷۳-۵ از قواعد کامن لا متفاوت و شاخه مجزایی از حقوق انگلستان را تشکیل می داد، اطلاق می گردد. همین واژه به صورت Aequitas, equite, billigkeit در سیستمهای حقوقی سایر کشورهای اروپایی به کار رفته است، ولی در مواردی توسط قضات این کشورها مورد استفاده قرار می گیرد که آنان قصد داشته باشند با استناد به آن از تفسیر خشک، مضیق و رسمی یک قاعده حقوقی به بهانه اجرای عدالت و انصاف سرباز زنند. همین طور اصل حسن نیت در حقوق تجاری آلمان و سایر نظام های حقوقی مبتنی بر آن به عنوان یک اصل کلی که فی نفسه می تواند منشأ حق و تکلیف قرار گیرد شناخته شده است، در حالی که در حقوق انگلستان و سایر کشورها هرگز از چنین معانی برخوردار نمی باشد. از

همین روست که از قاضی آلمانی انتظار می‌رود که مفاد قرارداد را با توجه به اصل حسن نیت مورد تفسیر قرار دهد، در حالی که قاضی انگلیسی تنها به مواد و مفاد ظاهری قرارداد توجه دارد. باز به دلیل عدم توجه به اصل حسن نیت است که در کامن لا تعادل عوضین شرط نیست. به عبارت دیگر، شما می‌توانید خانه چند میلیون تومانی دیگری را به چند میلیون ریال خریداری کنید و چنین معامله‌ای در صورتی که خدعه و فریبی به کار نبرده باشید حتی در صورت عدم آگاهی طرف از قیمت واقعی خانه صحیح و غیرقابل فسخ خواهد بود.^۱

این معنی و مفهوم قاعده‌ای است که در حقوق انگلیس وجود دارد و به موجب آن: Consideration must be sufficient, but it need not be adequate به عبارت دیگر، عوض باید کافی بوده یعنی مالیت داشته باشد، ولی کامل بودن آن شرط نیست. بنابراین، عشق و علاقه‌ای^۲ که کسی به دیگری پیدا می‌کند نمی‌تواند عوض انتقال خانه از سوی دیگری به او باشد ولی فروختن زمینی که بعداً معلوم می‌شود دارای معادن گران بهایی است^۳ به قیمت بسیار ارزان، یا فروختن یک تکه سنگ که بعداً معلوم می‌شود الماس بریده نشده‌ای است به قیمت یک دلار از نظر کامن لا قرارداد صحیح و غیرقابل فسخی است و اصل قداست قراردادها احترام به آن را حتی در صورت عدم آگاهی فروشنده به قیمت واقعی مبیع ایجاب می‌کند.

این مورد اخیر در یک دعوی آمریکایی^۴ رخ داد و به موجب آن دادگاه عالی

۱. این موضع شبیه موضع فقهای حنفی، شافعی و حنبلی است که جز در مورد اشخاص قابل حمایت مثل صغار، خیار غبن را تنها در صورت وجود خدعه و فریب پذیرفته‌اند. همین موضع در قوانین پاره‌ای از کشورهای اسلامی منعکس شده است، که از جمله می‌توان از ماده ۱۹۱ قانون مدنی امارات متحده عربی، ماده ۱۶۲ قانون مدنی کویت و مواد ۳۵۷-۳۵۶ مجله (قانون مدنی عثمانی) نام برد. برعکس، در حقوق ایران شرط اعمال خیار غبن وجود خدعه و فریب نیست (ر. ک. ماده ۴۱۶ قانون مدنی ایران).

2. Love and affection.

۳. در دعوی که در مورد اشتباه راجع به کیفیت مال مورد معامله بود، قاضی دادگاه اظهار داشت: "موضوع آن نیست که یک فرد خوش قلب و باشخصیت در این شرایط چه خواهد کرد. یک فرد باشخصیت مسلماً نمی‌خواهد از جهل فروشنده زمینی که در زیر آن معادن گرانبهایی وجود دارد سوء استفاده کند، اما تردیدی وجود ندارد که قرارداد بیع چنین زمینی صحیح خواهد بود." (ص ۶۰۴-۶۰۳).

ایالت ویسکونزین^۵ درخواست دختری را که چنین سنگ گرانبهایی را به تصور کم ارزش بودن آن به قیمت یک دلار فروخته بود رد کرد و قرارداد را صحیح دانست.

در این گونه موارد دادگاهها و حقوقدانان نظام کامن لا معمولاً^۶ به قاعده ای استناد می‌کنند که به موجب آن "کسی که در نتیجه بی‌توجهی خود ضرر می‌بیند باید فرض شود که ضرری ندیده است"^۷.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که یک واژه واحد یعنی حسن نیت، مفهوم و آثار متفاوتی در دو سیستم مختلف حقوقی دارد. همین موضوع را می‌توان در مورد مفهوم "قصد انشاء عقد" نیز ذکر کرد. هرچند که این مفهوم در کامن لا نیز وجود دارد^۸ ولی معنی و آثار آن در کامن لا با حقوق ما کاملاً^۹ متفاوت است. در کامن لا از این مفهوم در این جهت استفاده می‌شود که از قرارداد دانستن تعهدات کسانی که قصد نداشته اند به عنوان متعهد تحت تعقیب قضایی قرارگیرند (مثل بسیاری از قول و قرارهای خانوادگی و دوستانه) خودداری شود. به همین دلیل در دعوی "بالفور علیه بالفور"^۸ قوی که شوهری به همسر خود داده بود که تا زمانی که وی در سیلان و همسرش در انگلستان است به وی مبلغ ۳۰ پوند به عنوان خرجی بپردازد یک قرارداد الزام آور و قابل تعقیب قضایی شناخته نشد.

بدین ترتیب، حقوق انگلستان، برخلاف حقوق ایران، شرط قصد انشاء عقد را ملازم با بطلان قرارداد مجنون نمی‌داند. در حقوق این کشور (برخلاف حقوق اسکاتلند) صرف مجنون بودن طرف معامله به معنی فقدان قصد انشاء عقد در وی نمی‌باشد و بنابراین قرارداد مجنون تنها در صورتی باطل محسوب خواهد شد که طرف مقابل از جنون وی اطلاع داشته باشد که در این صورت اطلاع وی را می‌توان نوعی سوءاستفاده از جنون طرف و موجب بطلان عقد دانست^۹.

علاوه بر توجه به این نکته که برخی از واژه های مشترک دارای معانی

→

4. Wood V. Boynton (1885).

5. Wisconsin.

6. Quod quis ex culpa sua damnum fecit non intelligit damnum sentire.

7. Intention to create legal relations.

8. Balfour V. Balfour.

9. Imperial Loan Co. V. Stone (1892) 1 Q.B, 599.

متفاوتی در سیستم‌های حقوقی مختلف می‌باشند، مسأله دیگری که باید در ترجمه حقوقی واژه‌ها مورد توجه قرارگیرد آن است که نباید فریب معنی ظاهری کلمات را خورد. نگارنده بارها مشاهده کرده است که مترجمان رسمی در برگرداندن واژه High Court به فارسی با فریب خوردن از معنی ظاهری آن را دادگاه عالی و بعضاً حتی دیوان عالی کشور ترجمه کرده اند و موجب ایجاد این فکر در اصحاب دعوی شده اند که دعوی آنها در مرحله تجدید نظر مورد حکم قرارگرفته است، در حالی که High Court در انگلستان یک دادگاه بدوی و هم ردیف دادگاه شهرستان (به تعبیر حقوقی قبل از انقلاب) و یا دادگاه حقوقی یک (به تعبیر حقوقی بعد از انقلاب و قبل از تصویب "قانون دادگاههای عمومی و انقلاب") در نظام حقوقی ما می‌باشد که به دعاوی حقوقی مهمتر در مرحله بدوی رسیدگی می‌کند.

برخی از مترجمان دیگر در جهت تلاش برای ترجمه عین واژه به طور تحت - اللفظی واژه‌هایی چون قتل عمد یا زنا یا به عنف را به ترتیب به intentional murder و forcible rape ترجمه کرده اند، غافل از آن که عمدی بودن و به عنف بودن در کلمات murder و rape مستتر بوده و نیازی به افزودن پیشوندهای Intentional و forcible وجود ندارد.

ب - اشکالات موجود در ترجمه قانون مدنی

با توجه به مقدمه فوق ملاحظه می‌شود که ترجمه قانون مدنی ایران به دلیل ظرافت نهفته در بسیاری از کلماتی که در آن به کار رفته است نیازمند دقت و توجه بسیار می‌باشد و این کار باید توسط کسانی انجام گیرد که هم بر مفاهیم حقوق اسلامی و هم بر مفاهیم حقوق غرب تسلط کافی داشته باشند.

اینجانب با تورق بسیار کوتاهی در برخی از مواد قانون مدنی که نیازمند مراجعه به آنها بودم به برخی از اشکالاتی که در ترجمه موجود قانون مدنی به زبان انگلیسی^{۱۰} وجود دارد برخورد کردم که در اینجا این موارد مختصر را فهرست وار ذکر می‌کنم به این امید که این نوشتار کوتاه فتح بابی برای بررسی دقیق تر ترجمه های موجود قانون مدنی به زبان انگلیسی باشد.

۱۰. ترجمه مورد نقد توسط موسی صبی انجام شده است.

۱- ماده ۲۱۱ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

"برای این که متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند."

این ماده به شکل زیر ترجمه شده است:

"In order that a contract may be valid, both parties to it must be of age, must be in their proper senses and must have reached puberty."

بدین ترتیب:

اولاً، در ابتدای ماده عبارت "باری این که متعاملین، اهل محسوب شوند" به شکل "برای این که قرارداد، صحیح محسوب شود" ترجمه شده است که با اصل تفسیر دقیق نصوص قانونی منافات دارد.

ثانیاً، در ترجمه "رشید" از واژه puberty به معنی بلوغ استفاده شده که قطعاً نادرست است و باید از کلمه prudent یا نظایر آن استفاده می‌شد.

۲- ماده ۲۳۰ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

"اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند."

از ترجمه انگلیسی موجود از قانون مدنی درست عکس این مفهوم استنباط می‌شود. علاوه بر آن که برای ترجمه واژه "متخلف" از واژه offender که بیشتر به تخلفات جزایی اشاره دارد استفاده شده است، در حالی که باید با استفاده از عباراتی چون the person in breach مفهوم تخلف از قرارداد به طور روشن تر نشان داده می‌شد.

۳- ماده ۲۸۶ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

"تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست. در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن داده می‌شود."

این ماده به شکل زیر ترجمه شده است:

"The loss of either the object of sale or the consideration will not prevent the cancellation of the bargain. In such an event, the counterpart of one of the objects which has been destroyed if such object happens to have counterpart, or the price thereof if such object happens to be appraisable may be given in its place."

در ترجمه فوق اشکالات متعددی مشاهده می‌شود، از جمله این که:

اولاً، حکم ماده به عقد بیع شده است در حالی که در متن اصلی، قانونگذار حکم کلی بیان کرده و آن را منحصر به عقد بیع نکرده است.

ثانیاً، مترجم به جای آن که واژه‌های معادل واژه‌های مثلی و قیمی را در ترجمه مورد استفاده قرار دهد (مثلاً کلمات fungible و non-fungible) به ترتیب از عبارات و واژه‌های such object happens to have counterparts (یعنی اگر آن چیز مشابه داشته باشد) و appraisable (یعنی قابل ارزیابی) استفاده کرده است.

۴- ماده ۱۳۲ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

"کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد."

در ترجمه انگلیسی، در مقابل واژه "متعارف" از کلمه customary (به معنی "معمول") به عنوان معادل استفاده شده است. به نظر نگارنده استفاده از کلمه reasonable در این مورد مطلوب‌تر می‌باشد، زیرا آنچه که به نظر قانونگذار ضروری است "معمول" بودن استفاده نیست بلکه "به قدر متعارف" بودن استفاده مالک از ملک خود می‌باشد به طوری که استفاده مذکور برای رفع حاجت یا رفع ضرر ضرورت داشته باشد.

۵- ماده ۷۸۷ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

"عقد رهن نسبت به مرتین جایز و نسبت به راهن لازم است..."

در ترجمه انگلیسی به جای عبارت فوق معادل زیر قرار داده شده است:

A contract of pledge is binding as far as the debtor is concerned but it is optional on the creditor..."

در این ترجمه چند اشکال به نظر می‌رسد:

اولاً، به جای کلمات راهن و مرتهن از کلمات debtor و creditor (به معنی بدهکار و بستانکار) به عنوان معادل استفاده شده است، در حالی که استفاده از واژه‌های mortagor, pawnor, pledgor برای راهن و mortgagee, pawnee, pledgee برای مرتهن مناسب‌تر می‌باشد.

ثانیاً، در ترجمه برخلاف متن اصلی ابتدا حکم ماده راجع به راهن و بعد از آن راجع به مرتهن ذکر شده است. ثالثاً، به پیروی از اشتباه معمول بسیاری از مستشرقین، به جای کلمه لازم از واژه binding (الزام آور) استفاده شده است، در حالی که منظور از عقد لازم، عقد الزام آور نمی‌باشد، زیرا عقد جایز هم عقدی الزام آور است، بلکه منظور عقدی است که قابل فسخ توسط یک یا هر دو طرف نیست و بنابراین باید آن را irrevocable ترجمه کرد. برای ترجمه جایز نیز از واژه optional (خیاری) استفاده شده است که معادل نادرستی است زیرا عقد خیاری مفهومی غیر از عقد جایز دارد. بنابراین، باید از واژه revocable برای عقد جایز استفاده شود. همین اشتباه در ترجمه ماده ۹۵۴ هم مشاهده می‌شود که در آن نیز عقد جایز به optional contract ترجمه شده است.

۶- ماده ۹۶۸ قانون مدنی اشعار می‌دارد:

"تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر این که متعاقدين اتباع خارجی بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند."

در ترجمه این ماده آمده است:

"Liabilities arising out of transactions are subject to the laws of the place of the performance of the transaction ..."

همان طور که مشاهده می‌شود در ترجمه مذکور به جای محل وقوع عقد، به محل "اجرای عقد" اشاره شده است که مفهومی کاملاً مخالف با آنچه که در متن

ماده مورد اشاره قرار گرفته است را می‌رساند و بنابراین باید به جای کلمه performance از کلماتی مثل conclusion استفاده می‌شد.

نگارنده به خاطر می‌آورد که همین ترجمه غلط در یکی از دعاوی مطروحه در دیوان دآوری اتاق بازرگانی بین المللی I.C.C. مشکلاتی را برای یکی از طرفین دعوی و هیأت دآوری ایجاد کرده بود. در آن دعوی که اینجانب به عنوان یکی از اعضای هیأت دآوری در آن دخالت داشتم قراردادی قبل از انقلاب بین یکی از وزارتخانه های ایران (به عنوان خواهان) و یک شرکت آلمانی (به عنوان خوانده) در تهران منعقد شده بود. موضوع قرارداد ساختن زیردریایی‌هایی در کشور آلمان توسط شرکت آلمانی برای ایران بود. موضع خواهان آن بود که با توجه به انعقاد قرارداد در تهران، قانون ایران حاکم بر آن است، در حالی که خوانده با اشاره به محل اجرای قرارداد، قانون آلمان را حاکم بر آن می‌دانست. خواهان برای اثبات ادعای خود به ماده ۹۶۸ قانون مدنی استناد کرده و ترجمه ماده را عیناً از روی ترجمه های موجود، در لویای خود ذکر کرده بود، غافل از آن که ماده مورد اشاره آن طور که ترجمه شده است دقیقاً مثبت دعوی خوانده می‌باشد و قرارداد را تابع قانون محل اجرا می‌داند. البته نهایتاً توضیحات لازم در این مورد توسط نگارنده برای سایر اعضای هیأت دآوری ارائه شد و منجر به صدور رأی مقتضی گشت.

۷- به موجب ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی:

"هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشید باعث ضرر شود ضامن است."

این ماده به شکل زیر ترجمه شده است:

"In case the minor child, lunatic or immature person causes loss to another person, he shall be considered a guarantor for the same."

از جمله اشکالات این ماده موارد زیر است:

اولاً، واژه minor child به معنی بچه صغیر می‌باشد، در حالی که ذکر کلمه صغیر minor به تنهایی کفایت کرده و افزودن کلمه child اضافه غیر لازمی می‌باشد.

ثانیاً، واژه immature person به معنی شخص غیربالغ است و برای کلمه غیررشید یا سفیه باید از کلماتی چون prodigal, imprudent یا spendthrift استفاده

کرد.

ثالثاً، مترجم از کلمه guarantor به عنوان معادل ضامن در این ماده استفاده کرده است، در حالی که منظور قانونگذار در این ماده اشاره به ضمان عقدی (موضوع ماده ۶۸۴ به بعد قانون مدنی) نمی‌باشد بلکه منظور از این واژه اشاره به مسئول بودن صغیر، مجنون و سفیه است و بنابراین در ترجمه ماده باید از واژه liable استفاده می‌شد.

همان طور که در ابتدای این نوشتار اشارتی رفت، اشکالات فوق الذکر تنها به موادی از قانون مدنی مربوط می‌شوند که نگارنده ظرف مدت کوتاهی به مراجعه به آنها نیازمند بوده و پس از مراجعه اشکالات آنها را دریافته است.

قطعاً ذکر همه اشکالات موجود در ترجمه قانون مدنی نیازمند بررسی یک یک مواد به طور دقیق می‌باشد و امید است که این نوشته کوتاه فتح بابی برای بررسی همه جانبه ای باشد.